

این اراضی به وسیله رشته کوههای «موروداغ» و «قره باغ» به طرف «دشت میل مغان» و «قره باغ» گسترده شده است. جریان رودخانه‌هایی که از این کوهها سرچشمه می‌گیرد، دره‌های عمیق و پرتگاههای صخره‌ای در این اراضی به وجود آورده است.

استان خود مختار «قره باغ» دارای معادن غنی و ارزشمند انواع فلزات، مرمر، سنگ گچ، سنگ آهک و بعضی دیگر از مواد معدنی است. در این استان بیش از ۱۲۰ چشمه آب معدنی وجود دارد.

مناطق کوهپایه‌ای زمستانهای خشک و تابستانهای ملایم دارد و مناطق مرتفع و کوهستانی دارای اقلیمی سرد است. متوسط درجه حرارت در مناطق کوهپایه‌ای در دی ماه ۲ تا ۵/۰ درجه سانتی گراد، در مناطق بلند و کوهستانی ۴- تا ۳- درجه سانتی گراد و در ماه خرداد ۲۶- تا ۱۵- درجه سانتی گراد است. متوسط بارندگی سالانه در مناطق کوهپایه‌ای و دشتها ۵۵۰- تا ۴۰۰ میلی‌متر و در مناطق مرتفع کوهستانی بین ۹۰۰- تا ۸۰۰ میلی‌متر است.

قلل کوههای «موروداغ» در سراسر سال پوشیده از برف است. رودخانه‌های این استان عبارت است از «کورا» (ترتر، خاچین، قارقار) و «ارس» (کوندلن چای، قوروچای) که از باران و آبهای زیرزمینی تغذیه می‌شود. به علت استفاده از آب رودخانه‌ها در کشاورزی، به استثنای روزهای طغیانی، آب آنها به مصب نمی‌رسد. از آب این رودخانه‌ها در تامین انرژی الکتریسته (هیدروالکتریک) نیز استفاده می‌شود.

خاک این استان را خاکهای شاه بلوطی رنگ، خاکهای کوهستانی - جنگلی قهوه‌ای، خاکهای کوهستانی جنگلی خاکستری، خاکهای کوهستانی - استپی سیاه و دیگر انواع تشکیل می‌دهد.

در مناطق هموار، انواع گیاهان صحرانی و نیمه صحرانی و در مناطق کوهستانی جنگلهای درختان پهن برگ (فندق، ولس، بلوط و غیره) و بیشه‌زارهای بوته‌ای وجود دارد. ۳۳ درصد از کل اراضی استان را مناطق جنگلی تشکیل می‌دهد. در ارتفاعات ۲۳۰۰ - ۲۰۰۰ متری، مراتع آبی و نیمه آبی وجود دارد.

حیوانات وحشی منطقه عبارتند از بزکوهی، خرس قهوه‌ای، گربه جنگلی، جیران، گرگ، روباه، خرگوش، سنجاب، دله و جوجه تیغی. قرقاول، کبک و کبوتر از جمله پرندگان در منطقه هستند.

تقسیمات اداری

«استان خود مختار قره باغ کوهستانی» در هفتم ژوئن سال ۱۹۲۳ شکل گرفت

مساحت استان ۴۴۰۰ کیلومتر مربع - حدود ۵/۱ درصد از کل مساحت جمهوری آذربایجان - است. از نظر تقسیمات داخلی، این استان به ۵ ناحیه (رایون) به نامهای زیر تقسیم می‌شود:

* ۱- عسگران (Asgaran).

* ۲- مارتونی (Martuni).

* ۳- هادروت (Hadrut).

* ۴- شوشا (Shusha).

* ۵- مارداکرت (Mardakert).

این استان دارای دو شهر به نامهای «خان کندی» (مرکز استان) و «شوشا» (شوشی)، ۵ شهرک، یک قصبه و ۲۲۰ روستا است پیش از این، «قره باغ» به ۱۷ محال به نامهای زیر تقسیم شده بود:

* ۱- سیمیان * ۲- دمیرچی - اصلانلی، * ۳- کوپارا، * ۴- برگشاد، * ۵- باهاب یورد، * ۶- کبیرلی، * ۷- طالش، * ۸- جوانشیر، * ۹- خاچین، * ۱۰- چیله بیرد، * ۱۱- اوتوزایکی، * ۱۲- ایگیرمی دورد، * ۱۳- قاراچورلو، * ۱۴- ورنده، * ۱۵- دیزاخ، * ۱۶- خیردا - پارادیزاخ، * ۱۷- آجان - ترک.

به استثنای چند آبادی، ساکنان ۱۲ محال را کلاً آذربایجانی‌ها تشکیل می‌دادند. محال‌های «دیزاخ»، «ورنده»، «چیله بیرد»، «خاچین» و «طالش» نیز از آبادیهای آذربایجانی و ارمنی نشین تشکیل شده بود. در بعضی از آبادیها، آذربایجانی‌ها و آرامنه در کنار هم زندگی می‌کردند.

اوضاع تاریخی

شرایط مناسب جغرافیایی در قره باغ، سبب پیدایش اجتماعات انسانی از عصر حجر شده است. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های انسان اولیه، در قره باغ و

قره باغ: پیشینه تاریخی و ریشه‌های درگیری

سرزمین‌های آن سوی ارس

■ بهرام امیراحمدی

«قره باغ» ولایتی است تاریخی در آذربایجان و در شمال رود ارس که قلمرو آن از کوههای «قفقاز صغیر» آغاز می‌شود و تا اراضی واقع در بین رودهای «کورا» و «ارس» امتداد می‌یابد، نام «قره باغ» برای اولین بار در منابع مربوط به قرن ۱۲ میلادی آورده شده است. یکی از قدیمی‌ترین مسکن انسانهای اولیه در جهان به نام «غار آزیخ» در کوههای «قره باغ» قرار دارد و انسان کشف شده در این غار، به «آزیخ انتروپ» معروف است.

اراضی ولایت تاریخی «قره باغ» در حال حاضر کلاً در ترکیب دولت جمهوری آذربایجان قرار دارد. قسمت کوهستانی قره باغ به «قره باغ کوهستانی» موسوم است که به صورت استان خود مختار در تقسیمات کشوری جمهوری آذربایجان اداره می‌شود.

استان خود مختار قره باغ کوهستانی را در رسانه‌های گروهی جهان، به نام «ناگورنو قره باغ» می‌شناسند که واژه‌ای روسی است. در زبان روسی «ناگورنو - Nagorno» به معنی کوهستانی و «قره باغ» نام محل است. در زبان آذربایجانی به این استان «داغلیق قاراباغ مختار ولایتی» می‌گویند که معنی «استان خود مختار قره باغ کوهستانی» را می‌دهد.

واژه «قره باغ» به صورتهای «قاراباغ» و «قراباغ» نیز در فارسی نوشته می‌شود. این واژه از دو قسمت «قره» («قرا» یا «قارا») به زبان ترکی و به معنی «سیاه» و «باغ» به همان معنای فارسی تشکیل شده است. «قره باغ» به منطقه یا محلی اطلاق می‌شود که دارای باغهای وسیع و انبوه باشد آنگونه که رنگ سبز درختان، از انبوهی به سیاهی بزند. در ادبیات عرب واژه‌ای به معنی سبز متمایل به سیاه، به کار برده می‌شود. در ایران نیز آبادیها و محلهایی به همین نام (قره باغ) وجود دارد.

■ اوضاع جغرافیایی

«استان خود مختار قره باغ کوهستانی» در جنوب شرقی کوههای قفقاز صغیر واقع شده است. در قسمت شمالی آن، کوههای «موروداغ» (از کوههای قفقاز صغیر که بلندترین نقطه آن «جامیش داغی» با ۳۷۲۴ متر ارتفاع است) در قسمت‌های غربی و جنوبی، دامنه‌های شمالی سلسله کوههای قره باغ (قله «قیزقلعه‌سی» به بلندی ۲۸۴۳ متر، «قبرخ قیز» به بلندی ۲۸۲۷ متر و «بویوک‌کیره» به بلندی ۲۷۲۵ متر) و در قسمت‌های شمال شرقی و شمال، دشتهای هموار (کناره‌های غربی دشت میل مغان و دشت قره باغ) وجود دارد.

■ «قره باغ» به معنی منطقه یا محل دارای باغ‌های وسیع و انبوه است. آنگونه که رنگ سبزدرختان، از انبوهی به سیاهی بزنند.

■ مساحت «قره باغ» ۴۴۰۰ کیلومتر مربع - حدود ۵/۱ درصد از مساحت جمهوری آذربایجان - است و از نظر تقسیمات داخلی، به ۵ ناحیه (رایون) تقسیم می‌شود.

■ «قره باغ» دارای دو شهر به اسامی «خان کندی» (مرکز استان) و «شوشا» ۵ شهرک، یک قصبه و ۲۲۰ روستا است.

■ «خانات قره باغ» پس از مرگ نادرشاه (۱۷۴۷) یکی از خانات مستقلی بود که در آذربایجان به وجود آمد و اولین خان آن، «پناهعلی خان جوانشیر» نام داشت.

■ خانات قره باغ

«خانات قره باغ» دولتی فتودالی در اواسط قرن ۱۸ میلادی در آذربایجان بوده است. این خانات در همسایگی خانات «شکی»، «گنجه»، «ایروان»، «نخجوان»، «قره داغ»، «جواد» و «شماخی» قرار داشت.

اهالی «خانات قره باغ» به کشاورزی و دامداری اشتغال داشتند. باغداری، جالیزکاری و زنبورداری نیز رونق داشت. در «دشت میل» سیستم آبیاری (کورک آرخ، لوار آرخ، میمنه آرخ، ناخاری آرخ و غیره) تاسیس شده بود. بافندگی و صنعت (قالیبافی، استحصال چرم، ابریشم بافی، سفالگری، آهنگری و غیره) گسترش یافته بود. «شوشا» به یکی از مراکز مهم صنایع آذربایجان تبدیل شده بود. در این شهر ضرابخانه وجود داشته و سکه ضرب می‌شد.

همچون اهالی دیگر خانات، در «خانات قره باغ» مردم در شرایط دشواری زندگی می‌کردند. هزینه‌های دربار، نگهداری قشون و غیره، نیازمند امکانات زیادی بود که تامین بخش قابل توجهی از آن را روستائیان به عهده داشتند. در «خانات قره باغ» ۱۷ نوع مالیات و مکلفیات (از جمله «مالوجهات»، «میرزایانه»، خرج اطاق، علیق اسب و غیره) دریافت می‌شد. به علت نبود سیستم واحدی در جمع‌آوری مالیات، مأموران مالیاتی خودسرانه عمل کرده و مردم را تحت فشار قرار می‌دادند. ظلم فتودالها مبارزات طبقاتی را شدت می‌بخشید. یکی از شیوه‌های مبارزه مردم در خانات آذربایجان، فرار روستائیان از اراضی خانات بود. اما رعایای فراری به زور به اراضی اولیه خود برگردانده می‌شدند. «خانات قره باغ» پس از مرگ نادرشاه (۱۷۴۷) یکی از خانات مستقلی بود که در آذربایجان به وجود آمد و اولین خان آن «پناهعلی خان جوانشیر» نام داشت. وی برای مقابله با نفوذ خارجیان قلعه‌های چندی (قلعه بیات، شاه بولاغ) ساخت و «قلعه عسگران» را استحکام بخشید. پناهعلی خان در سال ۱۷۵۰ بنای قلعه رفیع و محکم «شوشا» را پی‌ریزی کرد. این قلعه برای گرامیداشت پناهعلی خان، به «پناه‌آباد» مشهور شد. در سال ۱۷۵۱ محمدحسن خان قاجار ضمن تصرف ولایات مازندران و ولایات جنوبی آذربایجان و بعدها فتحعلی خان افشار، خان ارومیه، به «قره باغ» یورش بردند. اما به علت عدم موفقیت، ناگزیر به عقب‌نشینی شدند. پناهعلی خان با استفاده از موقعیت جنگی برای تابع کردن بعضی از خانات آذربایجان به کوشش پرداخت. این امر موجب ناراحتی «حاجی چلبی خان» خان شکی شد. وی دوبار برای تصرف «خانات قره باغ» اقدام، اما موفقیتی به دست نیاورد. پس از مرگ پناهعلی خان، پسر وی ابراهیم خلیل [۱۸۰۶ - ۱۷۵۹] خان «قره باغ» شد. در دوره فرمانروایی وی «خانات قره باغ» قدرت بیشتری گرفت و مناسبات آن با کشورهای همسایه، به ویژه گرجستان دوستانه شد. در دوره آغامحمدخان قاجار، ابراهیم خلیل‌خان با توجه به قدرتمند شدن ایران، به امپراتوری روسیه وابسته شد. در ایجاد روابط و مناسبات خوب بین «خانات

در «غار آزیخ» پیدا شده است (آزیخ آنتروپ)، در این منطقه آثار باستانی فراوانی از دوره‌های پارینه‌سنگی، مفرغ و ابتدای آهن به دست آمده است (گورستان‌های آراچاد زور و خوجالی، آثار عهد عتیق و قرون وسطی در نواحی «مارتونی» و «مارداکرت»). اراضی کنونی «قره باغ» از اوایل میلاد مسیح در آلبانیای قفقاز و در داخل ولایت تاریخی «آرساخ» قرار داشت. اهالی «قره باغ» در قرون اول و دوم میلادی بر علیه اشغالگران رومی و در قرن سوم و چهارم میلادی بر علیه امرای ساسانی مبارزه کرده‌اند.

در قرون سوم تا پنجم میلادی در «قره باغ» مناسبات فتودالی به وجود آمد و از قرن چهارم میلادی به بعد، مسیحیت در این منطقه گسترش یافت. این منطقه در قرن ششم میلادی توسط «هونها» و در اوایل قرن هفتم توسط «خزرها» مورد تاخت و تاز قرار گرفت.

در اوایل قرن هشتم میلادی «قره باغ» توسط سپاهیان اسلام و در زمان خلافت امویان به تصرف درآمد. از اواسط قرن یازدهم تا نیمه قرن دوازدهم میلادی، «قره باغ» تحت حکومت سلجوقیان قرار گرفت. در دهه سوم قرن سیزدهم میلادی «قره باغ» توسط «مغولها» و در اواخر قرن چهاردهم میلادی توسط سپاهیان «تیمور لنگ» اشغال شد. از زمانهای قدیم، در اراضی «قره باغ» کوهستانی ساکنانی از طوایف «آلیان» به نام «قارقار» و «اوتی» زندگی می‌کرده‌اند. بعدها در اثر مبارزات طبقاتی بین کلیسای ارمنه و آلبانیای قفقاز از یک سو و ظلم خلافت و تضيیقات کلیسای گریگوری ارمنه از دیگر سو، اهالی «قره باغ» کوهستانی ناگزیر به پذیرش تدریجی مسیحیت گریگوری شدند. آنان ضمن قبول زبان ارمنی، فرهنگ و تمدن ارمنی را نیز پذیرفتند. این جریان از قرن سیزدهم میلادی به بعد، شدت بیشتری گرفت.

در نیمه اول قرن پانزدهم میلادی، «قره باغ» کوهستانی در ترکیب دولت «قراقویونلوها» و در نیمه دوم در ترکیب دولت «آق قویونلوها» قرار داشت در زمان صفویان اراضی «قره باغ» کوهستانی در «بیگلربیگی قره باغ» قرار داشت و در جنگهای ایران و عثمانی متناوباً دست به دست شد. در این دوره «بیگلربیگی قره باغ» یکی از واحدهای اداری دولت صفویان به شمار می‌رفت. مرکز آن شهر گنجه بود و در همسایگی بیگلربیگی های تبریز، چخورسعد (ایروان)، «شیروان»، «کارتلی» و «کاختی» قرار داشت. این بیگلربیگی توسط «زیاد اوغلو» های قاجار اداره می‌شد. در اواسط قرن هیجدهم میلادی «پناهعلی خان» ضمن ضمیمه کردن ولایت «قره باغ» کوهستانی، «خانات قره باغ» را تاسیس کرد.



NEWSWEEK / JANUARY 4, 1993

■ «پناهعلی خان» اولین خان «خانات قره باغ» در سال ۱۷۵۰ بنای قلعه رفیع و محکم «شوشا» را پی ریزی کرد. این قلعه برای گرامیداشت وی به «پناه آباد» مشهور شد.

■ در پی ملاقات سرفرماندهی قشون قفقاز با «ابراهیم خان» حاکم «قره باغ» در ۱۴ ماه می ۱۸۰۵ در ساحل رودخانه «کوره چای» و امضاء یک مقاله نامه، ایالت «قره باغ» (قره باغ تاریخی) به تابعیت دولت روسیه درآمد.

■ در پی الحاق خان نشین «قره باغ» به روسیه در سال ۱۸۰۵ کوچ آرامنه، از ایران و دیگر ایالات قفقاز به این منطقه آغاز شد.

■ در سال های ۱۷۹۵ و ۱۷۹۷ سپاهیان ایران، «قره باغ» را اشغال کردند. پس از کشته شدن آغامحمدخان قاجار در «شوشا»، قشون ایران، «قره باغ کوهستانی» را ترک کرد.

■ در سال ۱۸۱۳ میلادی (۱۲۲۸ هجری قمری) و در پی امضای معاهده گلستان، «قره باغ کوهستانی» به انضمام سایر شهرهای شمالی رود ارس، به دولت روسیه تزاری واگذار شد.

قره باغ» و روسیه، وزیر «پناهعلی خان» به نام «ملانها واقف» دست به تلاش هایی زد. «ابراهیم خلیل خان» در سال ۱۷۸۳ در مورد الحاق «قره باغ» به روسیه رضایت داد. اما در این تصمیم خود پابرجا نبود و با توجه به اوضاع داخلی و خارجی، موقعیت خود را پیوسته تغییر می داد.

در سال ۱۷۹۵ آغامحمدخان قاجار به «خانات قره باغ» حمله کرد. اهالی خانات برای مقابله با هجوم خارجی به مبارزه برخاستند. در «شوشا»، مردم قشون ۱۵ هزار نفری تشکیل دادند. استحکاماتی در شهر و اطراف آن ایجاد شد. آغامحمدخان «قلعه شوشا» را به مدت ۳۳ روز در محاصره گرفت. اما پس از این که موفق به تصرف قلعه نشد، به گرجستان حمله کرد.

در زمان حمله آغامحمدخان، گروهی از خانات آذربایجان از روسیه کمک خواستند. امپراتوری روسیه که می خواست در قفقاز و ولایات ساحلی دریای خزر جای پای محکمی داشته باشد، از این موقعیت استفاده کرد و در بهار سال ۱۷۹۶ قشون خود را به فرماندهی ژنرال «وزوبو» به آذربایجان فرستاد. ابراهیم خلیل خان با اعزام نمایندگان خود به نزد ژنرال روسی، اطاعت خود را از روسیه اعلام داشت. اما به دلیل شرایط بین المللی و نیز مرگ «کاترین دوم» امپراتور روسیه، قشون «وزوبو» در سال ۱۷۹۷ ناگزیر به ترک آذربایجان شد. در همان سال، آغامحمدخان قاجار بار دیگر به «قره باغ» حمله کرد. اما در سوء قصدی در «شوشا» به قتل رسید و قشون ایران از «قره باغ» عقب نشینی کرد. در اوایل قرن نوزدهم، گرجستان به روسیه ملحق شد. قشون روسیه به فرماندهی ژنرال «پ.د. سیسیانوف» وارد اراضی داخلی قفقاز شد.

«سیسیانوف» سرفرمانده قشون قفقاز در گزارش شماره ۱۹ مورخ ۲۲ ماه می سال ۱۸۰۵ می نویسد:

«قره باغ به جهت موقع جغرافیایی خود، هم برای آذربایجان و هم برای ایران به عنوان دروازه ای محسوب می شود. بنابراین، باید در استحکام و نگهداری آن، کوشش فراوان به عمل آید».

در ۱۴ ماه می ۱۸۰۵، «سیسیانوف» با «ابراهیم خان» حاکم «قره باغ» در ساحل رودخانه «کوره چای» ملاقات کرد و بین آنها مقاله نامه ای به امضاء رسید. براساس این مقاله نامه، ایالت «قره باغ» (قره باغ تاریخی) به تابعیت



جدول شماره ۱

تعداد خانوارهای قره باغ بر حسب قومیت و به تفکیک شهری و روستایی در سال ۱۸۲۴

شرح	تعداد کل خانوار	مناطق شهری	مناطق روستایی
جمع	۲۰۰۹۵	۱۵۳۲	۱۸۵۶۳
آذربایجانی	۱۵۷۲۹	۱۱۱	۱۴۶۱۸
ارمنی	۴۳۶۶	۴۲۱	۳۹۴۵

جدول شماره ۲

ترکیب قومی جمعیت «قره باغ» در دو سرشماری

درصد رشد	سال ۱۹۸۹		سال ۱۹۷۹		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
					جمع
	۱۶/۶	۱۰۰/۰	۱۸۹۰۲۹	۱۰۰/۰	۱۶۲۱۸۱
	۱۸/۲	۷۶/۹	۱۴۵۴۵۰	۷۵/۹	۱۲۳۰۷۶
	۹/۰	۲۱/۵	۴۰۶۳۲	۲۳/۰	۳۷۲۶۴
	۵۱/۹	۱/۰	۱۹۲۲	۰/۸	۱۲۶۵
	۱۹۷/۱	۰/۲	۴۱۶	۰/۱	۱۴۰
	۱۱۳/۵	۰/۰	۷۹	۰/۰	۳۷
	۶۷/۶	۱/۳	۲۴۱۷	۰/۹	۱۴۴۲

در سال ۱۹۱۷ از ۵۷۴۱۹۴ نفر سرشماری شده در «قره باغ»، ۳۱۷۸۶۱ نفر (۵۵/۴ درصد) آذربایجانی، ۲۴۳۶۲۷ نفر (۴۲/۴ درصد) ارمنی و بقیه سایر اقوام بودند.

در سال ۱۹۷۹ در «قره باغ» ۱۶۲۱۸۱ نفر سرشماری شدند که از آن میان ۷۵/۹ درصد را ارمنه، ۲۳/۰ درصد را آذربایجانی ها و بقیه را سایر اقوام تشکیل می دادند.

در سرشماری اخیر در سال ۱۹۸۹، تعداد جمعیت قره باغ ۱۸۹۰۲۹ نفر بود که ۷۶/۹ درصد را ارمنه، ۲۱/۵ درصد را آذربایجانی ها و بقیه را سایر اقوام تشکیل می دادند.

● تراکم جمعیت: در سال ۱۹۸۹ تراکم جمعیت این استان برابر ۴۳ نفر در کیلومتر مربع بود.

● توزیع جغرافیایی جمعیت: مطالعه توزیع جغرافیایی جمعیت نشان می دهد که از کل جمعیت «قره باغ» حدود ۱۰ درصد در نقاط تا ۵۰۰ متر، ۸۶ درصد بین ۱۵۰۰-۵۰۰ متر، ۳ درصد بین ۲۰۰۰-۱۵۰۰ متر و یک درصد بقیه در ارتفاعات بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا زندگی می کنند.

ترکیب قومی جمعیت در قره باغ

بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۹۸۹، از کل جمعیت استان خودمختار «قره باغ» ۷۶/۹ درصد را ارمنه و ۲۱/۵ درصد را آذربایجانی ها تشکیل می دهند. در حالی که سرشماری سال ۱۹۷۹، ارمنه ۷۵/۹ درصد از جمعیت و آذربایجانی ها ۲۳/۰ درصد جمعیت این استان را تشکیل می دادند.

با توجه به اینکه بین دو سرشماری سال ۱۹۷۹ و ۱۹۸۹ رشد جمعیت ارمنی ها ۰/۶۹ درصد در سال و آذربایجانی ها ۱/۹ درصد در سال بوده است، به طور طبیعی جمعیت ارمنه قره باغ از ۱۲۳۰۷۶ نفر در سال ۱۹۷۹ باید به ۱۳۱۸۳۹ نفر می رسید. در حالی که در سال ۱۹۸۹ جمعیت آن ۱۴۵۴۵۰ نفر گزارش شده است. به نظر می رسد که به احتمال قریب به یقین حدود ۱۳۶۱۳ نفر از سایر مناطق و عمدتاً ارمنستان برای مقاصد سیاسی و بدست آوردن

دولت روسیه در می آمد.

بلافاصله پس از الحاق خان نشین «قره باغ» به روسیه، «سیسیانوف» برای استحکام موقعیت خود، ارمنه را از دیگر ایالات قفقاز، به «قره باغ» کوچ داد. به این ترتیب از سال ۱۸۰۵ به بعد، ارمنه بسیاری همراه با خانواده و در مراحل مختلف از ایران به آذربایجان شمالی کوچانده شدند.

در دوره حکومت خوانین، در اقتصاد «قره باغ کوهستانی» دگرگونیهایی به وجود آمد. ساکنان این منطقه به تولید ابریشم، غلات، دامداری و سایر فعالیتها اشتغال داشتند. در سالهای ۱۷۹۵ و ۱۷۹۷ سپاهیان ایران، «قره باغ» را اشغال کردند، پس از کشته شدن آغامحمدخان قاجار در «شوشا»، قشون ایران «قره باغ کوهستانی» را ترک کرد.

در سال ۱۸۱۳ (۱۲۲۸ هجری قمری) در پی امضای معاهده گلستان، «قره باغ کوهستانی» به انضمام سایر شهرهای شمالی رود ارس، به دولت روسیه تزاری واگذار شد. پس از انحلال «خانان قره باغ» در سال ۱۸۲۲، بجای آن ایالتی به نام «قره باغ» تشکیل شد. این ایالت در سال ۱۸۴۰ با تبدیل شدن به «بخش شوشا» در ترکیب ایالت «کاسپی» (خزر) قرار گرفت. در سال ۱۸۶۸ با تشکیل فرمانداری «الیزابت پول»، بخش «شوشا» نیز جزو این فرمانداری شد و در ترکیب آن، بخش «زننگه زور» به وجود آمد. در سال ۱۸۸۳ در ترکیب بخش «شوشا»، ناحیه های جدید به نام «جوانشیر» و «جبرائیل» به وجود آمد. این تقسیمات اداری «قره باغ» تا سال ۱۹۲۱ پابرجا بود. در اثنای تشکیل جمهوری ارمنستان شوروی، قسمت بزرگی از «قره باغ تاریخی»، به نام «زننگه زور» در سال ۱۹۲۱ به این جمهوری الحاق شد. در سال ۱۹۲۳ نیز، مناطق کوهستانی «قره باغ» (تمامی بخش «جوانشیر» و قسمت های کوهستانی بخش های «شوشا» و «جبرائیل») در اختیار ارمنه قرار گرفت و ارمنه در آن ساکن شدند. به این ترتیب «استان خودمختار قره باغ کوهستانی» [معروف به «ناگورنو قره باغ»] به وجود آمد

جمعیت قره باغ

اولین گزارش رسمی در مورد جمعیت «قره باغ» مربوط به سرشماری ماموران حکومت تزاری است که در سال ۱۸۰۵ انجام شد و جمعیت «قره باغ» را حدود ۱۰۰۰۰ خانوار اعلام کرد. در سال ۱۸۰۸ جمعیت منطقه به ۷۴۷۴ خانوار کاهش یافت. کاهش جمعیت ناشی از جنگ ایران و روس بود که اهالی مجبور به ترک منطقه شدند، اما پس از پایان جنگ و برقراری آرامش نسبی، به خانه هایشان باز گشتند.

بر اساس اطلاعات «دفتر جمع آوری مالیات قره باغ» جمعیت قره باغ در سال ۱۸۲۳ برابر ۲۰۰۹۵ خانوار و به ترتیب جدول شماره یک بود.

در زمان الحاق خانان «قره باغ» به روسیه، فقط ۲۰ درصد از جمعیت «قره باغ» ارمنی و ۸۰ درصد بقیه آذربایجانی بودند. پس از الحاق «قره باغ» به روسیه در سال ۱۸۲۸، در نتیجه کوچ دادن ارمنه، تعداد آنان در «قره باغ» افزایش یافت. در سالهای ۲۸-۱۸۲۶ و در دوره جنگهای ایران و روس، ۱۸۰ هزار نفر ارمنی به قفقاز و از جمله به «قره باغ» کوچانده شدند. در سالهای ۱۸۲۸ تا ۱۸۳۰ چهل هزار خانوار ارمنی از ایران و ۸۴ هزار خانوار ارمنی از ترکیه (عثمانی) به فرمانداری «الیزابت پول» که «قره باغ» جزو آن بود و نیز به فرمانداری «ایروان» کوچانده و سکنی داده شدند. (ک.ن. شاروف ۱۹۱۱: ص ۵۶-۵۶)

در سال ۱۸۲۳ از ۵۵۶ آبادی قره باغ، در ۱۵۸ آبادی، ارمنه و در ۳۹۸ آبادی، آذربایجانی ها ساکن بودند (توصیف استان قره باغ-تفلیس ۱۸۶۱: ص ۲۲-۱۲).

در سال ۱۸۳۲ بر اساس اطلاعات سرشماری، در اراضی خانات سابق «قره باغ» از ۲۰۴۲۰ خانوار ۸ هزار خانوار ارمنی بودند (آرشینو دولتی تاریخ ملی اتحاد جماهیر شوروی - ذخیره ۱۲۶۸: پرونده ۱، برگ ۶۵).

در سالهای بعد، حتی در اوایل قرن بیستم، کوچاندن ارمنه به قفقاز ادامه داشت. از سال ۱۸۹۶ تا سال ۱۹۰۸ - طی ۱۳ سال - ۴۰۰ هزار نفر ارمنی به قفقاز و از جمله به «قره باغ» کوچانده شدند: (ک.ن. شاروف - ص ۵۹-۶۱). بر اساس اطلاعات سرشماری نفوس سال ۱۸۹۷، در «قره باغ» ۵۲۸۴۱ خانوار وجود داشت که از آن میان ۲۹۳۵۰ خانوار آذربایجانی، ۱۸۶۱۶ خانوار ارمنی و بقیه از سایر اقوام بودند.

اکثریت بیشتر و راندن آذربایجانی ها، به این منطقه کوچانده شده اند. از طرفی جمعیت آذربایجانی ها در سال ۱۹۷۹ برابر ۳۷۲۶۴ نفر بوده است که با رشد ۱/۹ درصد در سال، در سال ۱۹۸۹ باید به ۴۴۹۸۱ نفر می رسید. بنابراین حدود ۴۳۴۹ نفر از مردم منطقه وادار به مهاجرت شده و تعدادی نیز در طول درگیریهای بین ارامنه و آذربایجان در سالهای ۱۹۸۸ به بعد - تا پیش از سرشماری سال ۱۹۸۹ - کشته شده اند.

با در نظر گرفتن موارد پیش گفته علت افزایش تعداد ارامنه تا دو برابر نسبت به آذربایجانی ها در دوره ۸۹-۱۹۷۹ به خوبی آشکار می شود. در این دوره جمعیت آذربایجانی ها ۹/۰ درصد و ارامنه ۱۸/۲ درصد رشد داشته است.

■ اوضاع اقتصادی

صنایع «قره باغ» شامل کارخانه های نوشابه سازی، ابریشم بافی، الکترونیک و تولید فرآورده های شیر است. در کشاورزی «قره باغ»، تولید انگور، دامداری، کشت غلات، توتون، باغداری، همچنین پرورش کرم ابریشم و زنبورداری، نقش اساسی ایفا می کند.

صنایع «قره باغ» بیشتر شامل تولید مواد خام است. بیش از نیمی از محصول صنایع این استان را محصولات غذایی تشکیل می دهد. صنایع سبک «قره باغ» در درجه دوم اهمیت قرار دارد. صنایع سبک اساساً در «استپاناکرت» استقرار یافته که شامل کارخانه های ابریشم بافی، کفش ماشینی، قالیبافی و تولید پوشاک است. در اقتصاد این استان، کارخانه تولید محصولات الکتریکی «استپاناکرت» نقش مهمی دارد. یکی از مهمترین مراکز صنایع، شهر «استپاناکرت» است که تولید بیش از نیمی از محصولات صنعتی استان را به خود اختصاص می دهد.

در سال ۱۹۷۶ با تأسیس و راه اندازی نیروگاه آبی «ترترچای»، در اقتصاد این استان دگرگونیهای شگرفی روی داد. جدول شماره ۳ تولید بعضی از محصولات صنعتی عمده را نشان می دهد.

■ کشاورزی

در استان خود مختار «قره باغ کوهستانی» ۴۸ کلخوز و ۲۶ سوخوز (۱۹۷۸) به فعالیت اشتغال داشته اند، اراضی قابل کشت این استان ۲۰۳/۲ هزار هکتار است. از این مقدار ۷۵/۴ هزار هکتار زیر کشت محصولات سالانه است و ۲۰/۲ هزار هکتار به نباتات دائمی (درختان مشمر و غیر مشمر) و ۱/۸ هزار هکتار به اراضی آیش اختصاص یافته است. همچنین ۱۰۱/۷ هزار هکتار از اراضی را مرتع تشکیل می دهد.

غلات در تمام نواحی و توتون در ناحیه «مرداکرت» به عمل می آید. تاکستانهای انگور این استان با سیستم های پیشرفته و مکانیزه اداره می شود. در «کلخوزها» و «سوخوزها» و سایر مؤسسات دولتی جمعاً ۱۶/۲ هزار هکتار تاکستان و ۱۰۰۰ هکتار باغ میوه های هسته دار و دانه دار وجود دارد. در سالهای اخیر با وجود کاهش در مقدار اراضی زیر کشت تاکستانها، در تولید مقدار انگور افزایش چشمگیری به وجود آمده است. همچنین در دامداری، فعالیت اصلاح نژاد، افزایش عملکرد تولید در اراضی زیر کشت علوفه، استفاده از مراتع بیلاقی و قشلاقی، گسترش قابل ملاحظه ای به چشم می خورد.

در مراتع کم ارتفاع و دشت ها پرورش دامهای گوشتی و شیری و در مراتع مرتفع پرورش دامهای گوشتی و پشمی گسترش یافته است. زنبورداری نیز از بخش های قابل توجه این استان است. در سال ۱۹۷۸ در «کلخوزها» و «سوخوزها» های دولتی ۶۸۳۷ کندوی زنبور عسل نگهداری می شده است. از دیگر فعالیت های پر سابقه بخش کشاورزی استان، پرورش کرم ابریشم است. شرایط جغرافیایی و اقلیم و بارندگی مناسب این منطقه، سبب گسترش بخش کشاورزی شده است. به همین علت است که باغهای فراوانی در این منطقه از دیرباز وجود داشته و نام «قره باغ» [باغ سیاه] به این معنی است که درختان آنبوه باغهای میوه از دور به رنگ سبز متمایل به سیاهی دیده می شود. برای بی بردن به اهمیت کشاورزی منطقه، اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

نوع محصول	واحد	سال ۱۹۴۰	سال ۱۹۵۰	سال ۱۹۶۰	سال ۱۹۷۰	سال ۱۹۷۷
جدول شماره ۳						
تولید محصولات	انواع لامپهای الکتریکی	۰	۰	۰	۴۷۷	۶۸۵
	پارچه ابریشمی	۱۲۰	۱۶۳	۲۲۵۹	۹۷۷۳	۱۵۴۷۵
صنعتی «قره باغ»	ابریشم خام	۹۸	۱۲	۱۲۱	۱۲۴	۱۴۲
	پنیر	۶۱	۱۱۳	۲۶۸	۵۵۷	۵۲۹
در سالهای مختلف	تخته و الوار	۱۳	۲۰	۱۱۷	۱۸۰	۱۸۲
	میل	۲۶	۱۷۳	۸۷۶	۱۸۹۱	۲۷۱۸

نوع کشت	۱۹۴۰	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۷۷
جدول شماره ۴					
جمع اراضی زیر کشت	۸۲	۷۹/۱	۸۸/۲	۶۹/۹	۷۰/۵
غلات:	۷۰/۶	۶۷/۸	۶۰/۳	۴۲/۱	۴۰/۹
گندم	۴۱/۹	۳۹/۷	۳۹/۴	۲۶/۱	۲۵/۸
جو	۰۰۰	۱۷/۳	۱۸/۱	۱۴/۲	۱۳/۹
محصولات صنعتی:	۴/۱	۲/۴	۳/۷	۱/۶	۰/۲
پنبه	۳/۰	۱/۳	۳/۴	۱/۵	—
توتون	۰۰۰	۰/۳	۰/۳	۰/۱	۰/۲
محصولات جالبیزی:	۲/۳	۲/۲	۱/۸	۱/۶	۱/۱
سیب زمینی	۱/۵	۱/۴	۱/۰	۰/۸	۰/۴
سبزیجات	۰/۵	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۵
محصولات علوفه ای	۵/۰	۶/۷	۲۲/۴	۲۴/۶	۲۸/۳

واحد: هزار راس					
نوع دام	۱۹۴۱	۱۹۵۱	۱۹۶۱	۱۹۷۱	۱۹۷۸
تعداد دامهای استان	۸۷/۶	۸۵/۹	۸۴/۲	۸۶/۴	۸۶/۲
قره باغ در سالهای مختلف	۲۶/۲	۱۹/۵	۲۷/۵	۲۷/۷	۲۷/۱
(در اول ژانویه هر سال)	۱۶۰/۲	۲۰۳/۱	۳۰۷/۰	۲۶۶/۳	۲۸۷/۱
	۱۲۰/۶	۱۵۸/۷	۲۸۴/۶	۲۴۸/۱	۲۶۸/۳

شاید بتوان گفت درگیری خونین بین دو جمهوری، ریشه در این اقدام پارلمان ارمنستان داشته باشد.

پس از صدور اعلامیه الحاق «قره باغ» به ارمنستان، پارلمان آذربایجان نیز در سال ۱۹۹۱ خودمختاری «قره باغ» را لغو و اداره آنرا به دولت مرکزی آذربایجان واگذار کرد. علاوه بر آن، پارلمان آذربایجان نام شهر «استاناکرت» مرکز «قره باغ» را به نام قبلی آن «خان کندی» تغییر داد.

از سال ۱۹۸۸ تاکنون درگیریهای بسیاری بین دو جمهوری بر سر مساله «قره باغ» به وجود آمده و در نهایت، سبب بروز تشنج در منطقه شده است. تا پیش از این درگیریها، حدود ۲۵۰ هزار نفر آذربایجانی در خاک ارمنستان اقامت داشتند و سالهای متمادی با صلح و آرامش در کنار ارامنه زندگی می کردند. پس از شروع مخاصمات، آنها وادار به ترک دیارشان شدند و خانه و کاشانه، اموال و دارایی خود را از دست دادند. در بسیاری موارد، تعدادی از آنها در این مهاجرت اجباری، طی درگیریها، جان خود را نیز از دست دادند. در آذربایجان نیز حدود ۴۵۰ هزار نفر ارمنی زندگی می کردند که آنها هم به همان مصیبت آذربایجانی های ارمنستان گرفتار آمدند.

توضیحات:

* عهدنامه گلستان: دولت تزاری روسیه برای دست یافتن به دریای آزاد از راه قفقاز و ایران تلاش بسیار می کرد و این موضوع باعث بروز جنگهای طولانی بین روس و ایران شد. دوره اول این جنگها در اواسط سال ۱۲۱۸ هـ ق (۱۸۰۳ م.) با شکست ایران و میانجی گری انگلستان به عهدنامه شوم «گلستان» که در قصبه «گلستان» قراباغ و در کنار رود ارس بسته شد، پایان یافت. بر پایه این عهدنامه، همه ولایات «قراباغ»، «گنجه»، «شکی» و «شیروان» «قوبا»، «در بند» و قسمتی از طالش و تمامی «داغستان» و «گرجستان» که به دولت ایران تعلق داشت به تصرف امپراتوری روسیه درآمد. «فرهنگ معین»

* روبل: واحد پول در اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه.

* دساتین: واحد اندازه گیری سطح در روسیه برابر ۱/۰۹ هکتار.

* ارامنه: ملتی از نژاد هند و اروپایی (ارمن) که خود را «های» (HAY) می نامند. حدود ۶۶ درصد از جمعیت جمهوری ارمنستان شوروی را ارامنه تشکیل می دهند. در جمهوری آذربایجان شوروی ۳۹۰ هزار نفر ارمنی، در گرجستان ۴۳۶ هزار نفر و تعدادی نیز در شمال قفقاز زندگی می کنند. در کل اتحاد جماهیر شوروی تعداد ارامنه به ۴/۶۲۶/۲۲۷ نفر می رسد (۱۹۸۹). در سال ۱۹۷۹ تعداد ارامنه حدود ۴/۲ میلیون نفر بوده است.

تقریباً ۲ میلیون نفر ارمنی در خارج از ارمنستان و در کشورهای آمریکای شمالی، آرژانتین، مصر، ایران، فرانسه، لبنان، ترکیه، سوریه، بلغارستان و بعضی کشورهای دیگر زندگی می کنند.

منابع مورد استفاده:

- ۱) دایرة المعارف آذربایجان شوروی، جلد سوم، باکو - ۱۹۷۹
- ۲) دایرة المعارف آذربایجان شوروی، جلد چهارم، باکو - ۱۹۸۰
- ۳) محمود اسماعیل اوف، تحریف تاریخ قره باغ، خیرنامه آکادمی علوم آذربایجان شوروی، سری تاریخ، فلسفه و حقوق، شماره ۴، ص ۲۹، باکو - سال ۱۹۸۹.
- ۴) خ. د. خلیل اوف، تاریخ نژادی قره باغ، خیرنامه آکادمی علوم آذربایجان شوروی، سری تاریخ، فلسفه و حقوق - شماره ۳، ص ۴۱، باکو - سال ۱۹۸۸.
- ۵) افرند واش و میروف، آذربایجان شوروی، بنگاه نشریاتی خبرگزاری مطبوعاتی «نوستی»، مسکو - ۱۹۸۷.

6) USSR. Census 1989 - Moscow 1989

۷) تبعیدها، باکو - ۱۹۹۰

8) Central Asian Survey. The Journal of the Society for Central Asian Studies. vol. 10. No 1/2, 1991.

علاوه بر گسترش کشاورزی، به علت وجود مراتع غنی، امکان گسترش دامداری در منطقه وجود دارد. جدول شماره ۵ تعداد بعضی از دامهای استان خودمختار قره باغ در سالهای مختلف را نشان می دهد.

■ علل درگیری ارامنه و آذربایجان بر سر مساله «قره باغ» جمهوری ارمنستان در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ تشکیل شد و از ۱۲ مارس ۱۹۲۲ تا ۵ دسامبر ۱۹۳۶ در ترکیب جمهوری فدراتیو سوسیالیستی ماوراء قفقاز قرار داشت. از تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۳۶ ارمنستان به عنوان جمهوری مستقل شوروی شناخته شد.

هنگام تشکیل جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۲۰، فرمانداری «ایروان» (پایتخت کنونی ارمنستان) و فرمانداری «نفلیس» نیز جزو خاک آذربایجان بود. بر اساس مندرجات تقویم آذربایجان، در سال ۱۹۲۰ کل مساحت آذربایجان ۹۷۲۹۷/۶۷ کیلومتر مربع بوده در حالی که مساحت کنونی آن ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است. به عبارتی، آذربایجان مساحتی برابر ۱۰۶۹۷/۶۷ کیلومتر مربع یا ۱۱ درصد از اراضی خود را از دست داده است. مناطقی که از آذربایجان جدا و به ارمنستان ضمیمه شد، قسمت های جنوبی ارمنستان در جنوب دریایچه «سوان» تا مرز ایران را شامل می شود. و همین، سبب جدایی جغرافیایی آذربایجان و نخجوان شد. این قسمت ولایت «زنگه زور» نام دارد که در بی اجرای سیاستهای استالین به خاک ارمنستان ضمیمه شد. (در زمان استالین «در بند» و «داغستان» نیز به روسیه ضمیمه شد که از نظر تاریخی و قومی، با آذربایجان پیوستگی داشت.) از آنجایی که ارامنه، مسیحی بوده و با اقوام روس شوروی سابق همبستگی دینی داشتند، همیشه دارای پایگاه محکم و قوی در بین روسها بودند. بنابراین موازنه قدرت، همیشه به سود ارامنه بود. اما آوارگی ارامنه در طول تاریخ، سبب پراکندگی آنان در بسیاری از نقاط جهان شده است. آنان دارای سرزمینی تخیلی همچون «سرزمین موعود» برای خود هستند که به آن «ارمنستان بزرگ» می گویند.

مشابهتهای زیادی بین «سرزمین موعود» و «ارمنستان بزرگ» وجود دارد:

- ۱- قوم ارمنی در طول تاریخ به دفعات آواره شده است.
- ۲- ارمنستان نیز به عنوان یک کشور در قرن بیستم با به عرصه وجود گذاشته است.
- ۳- ایدئولوژی حاکم بر ارمنستان، مبانی قومی - مذهبی دارد.
- ۴- برخی دولتمردان ارمنستان چشم طمع به اراضی بسیاری در منطقه قفقاز و آسیای صغیر دوخته اند.

از سال ۱۹۲۰ به بعد، ارامنه در اجرای نیت توسعه طلبانه خود، دست به اقداماتی زدند که در نهایت، موجب بروز بحران کنونی شد. تغییر اسامی نقاط جغرافیایی از غیرارمنی به ارمنی (به ویژه تغییر نام «خان کندی» مرکز «قره باغ علیا» به «استاناکرت») از جمله اهداف توسعه طلبانه سران افراطیون ارمنی بود که در سال ۱۹۲۳ با اغفال آذربایجان، صورت گرفت.

جلب موافقت آذربایجان برای بدست گرفتن اداره امور «قره باغ» توسط ارامنه در چند دهه اخیر و در نهایت، جایگزینی ارامنه در رأس کلیه مؤسسات و نهادهای دولتی ولایت «قره باغ» تا پیش از درگیریهای اخیر، توطئه ای از پیش طراحی شده بود که آذربایجان از آن بی اطلاع بودند.

پارلمان ارمنستان با تصویب قانونی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۹ به طور غیرقانونی الحاق «استان خودمختار قره باغ کوهستانی» واقع در خاک جمهوری آذربایجان را به خاک ارمنستان اعلام کرد. این اقدام در بی تظاهرات ارامنه به رهبری افراطیون ارمنی صورت گرفت. آنان خواستار بازگشت ایالت تاریخی «آراساخ» (که مدعی بودند جزو ارمنستان شرقی است) به خاک ارمنستان بودند.